


نوع مقاله: پژوهشی

روش‌های تدریس و آموزش تفسیر قرآن در حوزه علمیة قم در سده اخیر*

عباس الهی / استادیار گروه علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه

ABBas_ELAhI48@yahoo.com

 orcid.org/0000-0002-4568-4907

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده

این مقاله به بررسی شیوه‌های تدریس تفسیر قرآن مدرسان حوزه علمیة قم در سده چهاردهم شمسی می‌پردازد و هدفش استفاده از تجارب گذشته برای آموزش بهتر تفسیر قرآن در آینده است. شیوه مطالعه، کتابخانه‌ای و گاهی مشاهدات میدانی، و روش حل مسئله توصیفی - تحلیلی بوده است. یافته‌های بررسی نشان می‌دهد که با توجه به اختلاف سطوح تحصیلی و تفاوت سبک ارائه تفسیر، در سده اخیر سه روش تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم رایج بوده است: روش غیرفعال، نیمه‌فعال و فعال. روش غالب تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم، روش غیرفعال با شیوه توضیح و سخنرانی بوده است. تدریس تفسیر به روش نیمه‌فعال که با مشارکت دادن بخشی از فراگیران در فرایند آموزش همراه است، در رتبه بعدی قرار دارد. گونه سوم، یعنی روش فعال در آموزش تفسیر، در طول سده کمتر مورد اهتمام مدرسان حوزه علمیة قم بوده و بیشتر در دو دهه پایانی این سده و در مراکز تخصصی به کار گرفته شده است. روش فعال به دو شیوه پرسش و پاسخ و مشارکت دادن فراگیران در بحث و ترغیب به ارائه کنفرانس یا به شیوه حل مسئله توسط فراگیران با راهنمایی استاد اجرا شده است.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های آموزش، روش تدریس تفسیر، حوزه علمیة قم، سده چهاردهم شمسی.

مقدمه

یکی از رشته‌های علمی دایر در حوزه‌های علمیه، رشته تفسیر و علوم قرآن است که از دیرباز مورد عنایت بوده و در سطوح مختلف برگزار می‌شده است. مباحث این رشته، به صورت کلی در سه محور اساسی به طلاب و دانش‌پژوهان تعلیم داده می‌شود:

محور اول، مسائل و موضوعاتی است که پیرامون خود قرآن کریم و مرتبط با شناخت اصل قرآن و اوصاف کلی و ویژگی‌های آن است، که از آن به «علوم قرآن» یاد می‌شود. در این زمینه، طلبه با مباحثی مانند تاریخ قرآن، نزول قرآن، تحریف‌ناپذیری، اعجاز قرآن و مانند اینها آشنا می‌شود.

محور دوم، موضوعاتی است که مربوط به محتوا و فهم متن قرآن است و از آن به «تفسیر قرآن» و نیز «معارف قرآن» یاد می‌شود. مباحث مربوط به اعتقادات، اخلاق، چگونگی و سبک رفتارهای فردی و اجتماعی و مانند اینها از آموزه‌هایی است که با تدبر در آیات و تفسیر آنها به دست می‌آید.

محور سوم، مسائل و موضوعاتی است که به چیستی و چگونگی تفسیر می‌پردازد و در این محور، طلبه به دنبال کسب آگاهی‌هایی درباره مبانی، قواعد و روش تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن و نیز گرایش‌های تفسیری است و از آن می‌توان به «منطق تفسیر قرآن» یاد کرد.

آموزش رشته تفسیر و علوم قرآن، همچون دیگر رشته‌ها و دانش‌ها، نیازمند آگاهی از مهارت‌های یاددهی و یادگیری است. از این رو لازم است اساتید و مدرسانی که به تعلیم و تدریس تفسیر و علوم قرآن می‌پردازند، با انواع مهارت‌ها و روش‌های تدریس در این حوزه آشنایی داشته باشند. بررسی تاریخی نشان می‌دهد، همان گونه که علوم مختلف در حال تغییر و تحول‌اند و هر روز روش‌های نوین و اندیشه‌های جدیدتری در آنها پدید می‌آید، در حوزه تدریس تفسیر نیز انتظار این است که اساتید و خبرگان این رشته فنون و روش‌های نو، کاربردی‌تر و مؤثرتر را به کار گیرند یا ابداع و ارائه کنند.

پژوهش حاضر با طرح این سؤال که «روش‌های تدریس تفسیر و علوم قرآن در حوزه علمیه قم در صدساله اخیر چگونه بوده و چه تطوراتی داشته»، در پی آن است که به صورت اجمالی اقسام و گونه‌های مختلف فنون و روش‌هایی را که در عرصه تعلیم و تدریس تفسیر و علوم قرآن کاربرد داشته‌اند، بررسی کند.

پیشینه

به‌رغم جست‌وجوی فراوانی که برای دستیابی به تحقیقات متناسب با این موضوع انجام شد، اثری دال بر بررسی شیوه‌های تدریس تفسیر، چه در صدساله اخیر حوزه علمیه قم و چه قبل از آن، یافت نشد. مقاله‌ای با عنوان «آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن با استفاده از تکنولوژی و روان‌شناسی رنگ‌ها» به قلم زهره اخوان مقدم و فاطمه پیرایش مقدم منتشر شده است (اخوان مقدم پیرایش، ۱۳۹۴) که شیوه و راهکاری جدید برای آموزش مفاهیم و محتوای قرآن ارائه می‌کند و به نوع خاصی از شیوه آموزش تفسیر اشاره دارد؛ اما خارج از قلمرو موضوعی این مقاله است.

کتابی هم با عنوان *شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیة* توسط محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۷۷) نوشته شده است که به صورت عمومی به روش‌ها و شیوه تدریس دروس حوزه به صورت کلی در همه رشته‌ها پرداخته و به روش‌ها و شیوه‌های تدریس تفسیر در حوزه اختصاص ندارد.

روش تحقیق

نگارنده ابتدا با تتبع فراوان در منابع مختلف متنی، دیجیتالی، صوتی و تصویری، کوشیده است مدرسان مطرح و برجسته تفسیر را در حوزه علمیة قم شناسایی کند و به نمونه‌های مختلفی از تدریس تفسیر آنان دست یابد؛ سپس با مطالعه یا استماع اسناد یافت‌شده، روش‌های مختلف تدریس را از آنها استخراج و سپس دسته‌بندی کند. بر این اساس، مطالعه و گردآوری اطلاعات غالباً کتابخانه‌ای و تا حدی شبه‌میدانی بوده و تحلیل داده‌ها و کشف روابط آنها و استنباط و حل مسئله، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. روش تدریس

«روش» (Metod) در زبان فارسی به شیوه، طریق، طرز و اسلوب معنا شده است (معین، ۱۳۸۲، مدخل روش). بر این اساس به شکل، شیوه و قالب انجام هر کاری «روش» می‌گویند. با توجه به این معنا، «روش تدریس» نیز عبارت است از شکل و قالب منظم و منطقی ارائه درس به مخاطبان در مقام آموزش.

۱-۲. تفسیر

«تفسیر» مصدر باب تفعیل از ماده «فسر»، جمع آن «تفاسیر»، در لغت به معنای تأویل، تشریح، ترجمان، تعبیر، تلقی، توضیح، شرح، گزارش، نقل، وصف، روشن کردن، توضیح دادن مطلب و کشف کردن آمده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴). برخی نیز آن را به معنای روشن ساختن و کشف کردن مراد و مقصود از لفظ مشکل دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۵۵). در تعریف اصطلاحی «تفسیر» گفته‌اند: «علم بیحث فیه عن القرآن من حیث دلالتہ علی مراد الله تعالی بقدر الطاقۃ البشریة»؛ تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری درباره احوال قرآن، از آن جهت که بر مراد خداوند متعال دلالت دارد، بحث می‌شود (زرقانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۱).

۱-۳. روش تدریس تفسیر

با توجه به آنچه در تعریف واژگان روش و تفسیر گذشت، مراد از روش تدریس تفسیر، شیوه‌ها و اسلوب‌های منظم و منطقی ارائه مطالب تفسیری توسط استاد به فراگیران این دانش است.

۲. انواع روش‌های کلی تدریس

چنان که از مطالعه سیر تاریخی تدریس و تحصیل در حوزه‌های علمیة قم در سده اخیر برمی‌آید، سبک و شیوه تدریس

دروس - فارغ از موضوع آنها و سطح تحصیلی و سبک ارائه محتوا - انواع مختلفی دارد که در ادامه به اختصار آنها را تشریح می‌کنیم.

۲-۱. انواع روش‌های تدریس براساس سطح تحصیلی فراگیران

تحصیل در نظام فعلی حوزه‌های علمیه شامل سه مرحله است. مرحله اول که مقدمات است، حدود سه سال به طول می‌انجامد. هدف اصلی، آموزش ادبیات عرب شامل دروسی همچون صرف، نحو، معانی، بیان و بلاغت، و همچنین آموزش دروس پایه همچون منطق است. البته مباحث مقدماتی فقه نیز در این دوره عرضه می‌شود. مرحله دوم که به «سطح» یا «سطوح» معروف است، با هدف بالا بردن قدرت فهم متون فقهی و اصولی، آشنایی با مقدمات روش استنباط از آیات و روایات، آشنایی با دروس تفسیر و علوم قرآن، گذراندن یک دوره کامل فقه و اصول و... آموزش داده می‌شود. عالی‌ترین سطح دروس حوزوی، دوره خارج است که با هدف توانمند شدن طلاب در زمینه استنباط مسائل دانش فقه از کتاب، سنت، عقل و اجماع یا استنباط مسائل دیگر دانش‌های اسلامی از منابع آنها برگزار می‌شود. در یکی دو دهه اخیر، علاوه بر تدریس دروس متداول و تخصصی فقه و اصول و فلسفه، رشته‌های تخصصی دیگری شامل کلام، تفسیر، تبلیغ، تاریخ و... نیز در حوزه‌های علمیه دایر شده است. این دوره نیز که متناظر با استعداد و توانمندی افراد متفاوت است، به‌طور معمول دست‌کم شش سال به طول می‌انجامد. با توجه به مقطع و سطح تحصیل در حوزه، شیوه‌های تدریس نیز متفاوت است.

۲-۱-۱. روش تدریس در دوره مقدمات و سطح

نظام آموزشی حوزه در سده اخیر، غالباً متکی بر متن بوده و نخستین و مهم‌ترین کار طلبه، کسب توانایی فهم درست متون درسی است. دوره مقدماتی و سطح با محوریت متون معین طراحی شده است و تألیف شروح متعدد بر کتاب‌های درسی، حاکی از اهتمام حوزه‌ها به متون درسی است. این متون تألیف استادان برجسته حوزه‌ها بوده و غالباً پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی دارد که مدرسان در هنگام درس تبیین می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ورزیدگی استاد را با همین شرح و رفع ابهامات و دشواری‌ها می‌سنجند؛ چنان‌که برای سنجش رتبه علمی طلبه نیز توانایی او را در توضیح این متون ملاک قرار می‌دهند. حتی گاهی بخشی از درس‌های عمیق خارج فقه و اصول نیز به تبیین نکته‌هایی از همین متون اختصاص می‌یافته است. بنابراین، بیشتر اساتید در دو دوره مقدمات و سطح، از یک روش واحد برای تدریس استفاده می‌کنند که شامل شش مرحله است:

۱. مطالعه کتاب، حواشی و شروح آن قبل از درس؛
۲. روخوانی درس با دقت در رعایت قواعد مربوط به ادبیات عرب؛
۳. بیان دسته‌بندی‌شده مطالب، قبل از ورود به متن؛
۴. تطبیق مطالب با متن کتاب به‌صورت واژه‌به‌واژه و جمله‌به‌جمله؛

۵. بیان مطالبی غیر از متن از حواشی یا نقد بررسی نظریات دیگران یا نظر استاد؛

۶. پاسخ به سؤالات فراگیران قبل، حین و پس از درس.

این شیوه، هرچند با هدف بالا بردن توان هوشی و فهم طلاب از طریق دقت در الفاظ و عبارات کتب درسی که گاهی پیچیده نیز هستند، پی گرفته می‌شود، اما به دلیل استفاده از کتب قدیمی که گاهی بسیار مغلق و در برخی موارد نیز ناقص‌اند، همچنین عدم توجه کافی به ادبیات معاصر عرب، سبب محروم شدن طلاب از شیوه‌های جدید آموزشی می‌شود.

۲-۱-۲. روش تدریس دروس خارج

روش تدریس اساتید در مقطع خارج به سه شکل است:

گاه استاد یک مطلب یا مسئله و تمامی اقوال پیرامون آن را مطرح کرده، دلایل آنها را بررسی می‌کند و در پایان نیز نظر و دلایل خود را ارائه می‌دهد. شیوه بسیاری از اساتید چند دهه اخیر در حوزه علمیة قم تا کنون همین سبک بوده است. در این سبک، فراگیران نقش خاصی در مباحث ندارند و بیشتر، استاد فعال است و همچون یک سخنران عمل می‌کند.

گاهی نیز استاد یک مطلب یا مسئله را مطرح می‌کند و تمامی مطالب مربوط به آن را به کمک شاگردان و با بحث و تبادل نظر طرفینی مورد بررسی قرار می‌دهد. در این شیوه، نقش شاگردان پررنگ است و استاد فقط سخنران نیست؛ بلکه باعث جهت‌دهی به مباحث می‌شود و فراگیران را برای دستیابی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری یاری می‌دهد.

برخی اساتید نیز به شیوه تلفیقی عمل می‌کنند و درس را در دو جلسه به‌طور متفاوت ارائه می‌دهند. در جلسه اول، استاد تمام مطالب مربوط به یک فرع یا مسئله را به فراگیران ارائه می‌دهد. در این جلسه که استاد محور است، شاگردان چندان نقشی در فرایند درس ندارد؛ اما در جلسه دوم که به‌صورت پرسش و پاسخ بین استاد و شاگردان برگزار می‌شود، شاگردان نقش بیشتری ایفا می‌کنند. این شیوه در یادگیری افراد، به‌خصوص کسانی که استعداد و توانمندی کمتری دارند، بسیار مؤثر است (ر.ک: رضایی اصفهانی، شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه علمیة قم، ۱۳۷۵).

در شق اول، تدریس به روش غیرفعال است و به شیوه توضیح و سخنرانی عمل می‌شود؛ اما در شق دوم، روش تدریس به‌واقع فعال است و به شیوه مثلاً مذاکره و پرسش و پاسخ عمل می‌شود؛ و شق سوم بینابینی است.

۲-۲. انواع روش‌های تدریس تفسیر براساس نقش دادن به فراگیران

نظر به اینکه میزان مشارکت دادن فراگیران در فرایند آموزش چه اندازه باشد، می‌توان دو گونه و دو روش کلی تدریس فعال و غیرفعال را نام برد و بر همین اساس، روش‌های تدریس تفسیر را نیز بدین ترتیب دسته‌بندی کرد.

معروف‌ترین و عام‌ترین شیوه تدریس غیرفعال، شیوه توضیح و سخنرانی یا درس‌گفتار است که از آن به روش و شیوه سنتی تدریس نیز تعبیر شده است. این روش در دوره‌های مختلف تاریخی و شاخه‌های گوناگون علمی به کار گرفته می‌شد و در سده اخیر نیز بسیار رایج بوده است. در این شیوه، استاد به‌عنوان انتقال‌دهنده اطلاعات، بار و کار اصلی آموزش را بر عهده دارد و شاگردان کمترین نقش را در یادگیری دارند. استاد می‌کوشد تا ذهن فراگیران را با انبوهی از مفاهیم، اصول و اصطلاحات درس انباشته سازد. در این نوع از روش تدریس، برنامه درسی انعطاف‌ناپذیر است و استاد و فراگیر به‌اجبار از محتوای مشخصی استفاده می‌کنند. استاد تصور می‌کند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به‌عنوان گنجینه معلومات در برابر فراگیران ظاهر می‌شود. شاید به همین دلیل به این الگو، روش «معلم‌محور» یا «استادمحور» نیز می‌گویند.

در این روش که سابقه‌ای طولانی در نظام‌های آموزشی دنیا دارد، یادگیری با ارائه مفاهیم به‌طور شفاهی از طرف معلم و استاد و گوش کردن و یادداشت برداشتن از طرف فراگیر و شاگرد صورت می‌گیرد. در این شیوه، مخاطبان فقط شنونده‌اند و در آموزش جایگاهی منفعلانه دارند و یادگیری، از طریق رابطه ذهنی بین استاد و شاگرد ایجاد می‌شود.

به‌طور معمول آموزش تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه از گذشته دور تا کنون به شیوه توضیح و سخنرانی بوده است و طی آن، استاد، یا متنی از متون تفسیری را آموزش می‌دهد؛ به این صورت که بر مدار متن به توضیح و تشریح مطالب می‌پردازد یا عبارات متن تفسیری را مطلب‌به‌مطلب ابتدا شفاهاً یا با کمک وسایل آموزشی (بر روی تخته یا از طریق تصویر بر روی پرده) دسته‌بندی می‌کند و توضیح می‌دهد و سپس آن گفته‌ها را بر متن درسی تطبیق می‌کند. بیشتر تدریس‌های درس تفسیر در دوره سطح، از این الگو تبعیت می‌کنند؛ اما اگر تدریس بر اساس متن معینی نباشد و بلکه خود آیات قرآن محور بحث و بررسی باشند و به‌عبارت‌دیگر، درس آزاد از متن خاصی باشد، همان الگوی توضیح و سخنرانی اجرا می‌شود؛ به این نحو که استاد عمدتاً به‌صورت یک‌طرفه بحث را بر محور یک یا دو یا سه آیه مرتبط با هم متمرکز می‌سازد. ابتدا معانی واژگان را بیان می‌کند و سپس با توضیح نحوی و بلاغی جمله‌های آیه، معنای اولیه آن را در حد مراد استعمالی روشن می‌کند و بعد بر اساس قرائن لفظی و غیرلفظی از طریق استاد به سیاق و آیات دیگر و روایات و اسباب نزول و قرائن عقلی و تاریخی و شواهد تجربی و... به کشف مراد آیه می‌پردازد و معنای نهایی آیه یا آیات را استخراج و ارائه می‌کند. در اینجا، با اینکه متنی محور بحث نیست، بلکه طرح درس تماماً تابع ابتکار و خلاقیت استاد است، شیوه و الگوی تدریس همان شیوه توضیح و سخنرانی و عمدتاً یک‌طرفه است. البته ممکن است شاگردان در خلال درس نکات ایهامی برایشان پیش آید و از استاد توضیح بیشتری بخواهند یا اشکالی به ذهنشان برسد و مطرح کنند و استاد جواب بگوید، اما همه آنها در حاشیه‌اند و فراگیران نقش چندانی جز در حد استماع مطالب استاد و درک و فهم و دریافت آن و احیاناً یادداشت‌برداری ندارند.

بنابراین در این شیوه تدریس تفسیر، انتقال اطلاعات علمی به‌طور مستقیم با استفاده از الگوی سخنرانی به

مخاطبان صورت می‌گیرد و استاد مطالب درسی کتاب یا جزوه درسی یا آنچه خود بر اساس یک طرح ذهنی آماده ساخته است، برای فراگیران توضیح می‌دهد و تمام مطالبی را که باید آموخته شوند، چه مسئله و اصول آن و چه پاسخ مسائل و شرح آن را به آنها عرضه می‌کند.

از یک سو این شیوه تدریس فرصتی به فراگیر می‌دهد تا اطلاعات را به صورت منظم و سازمان یافته دریافت کند. هرچند در این شیوه، استاد با ارائه و تبیین مبسوط مطالب می‌تواند اطلاعات فراوانی را در مدت زمانی کوتاه به مخاطبان انتقال دهد و مجموعه کاملی از حقایق، اصول و مفاهیم را به شیوه‌ای منسجم ارائه دهد، اما به دلیل فعال نبودن دانش‌پژوهان و طولانی شدن فرایند آموزش، موجب کاهش تمرکز و انگیزه در مخاطبان می‌شود. در این شیوه، استاد می‌تواند با بالا و پایین بردن تن صدا، کمک گرفتن از چهره، دست و زبان بدن، در انتقال مفاهیم موفق‌تر عمل کند و آسیب‌های این شیوه را کاهش دهد.

۲-۲-۲. روش فعال به شیوه پرسش و پاسخ

در این شیوه، استاد سعی دارد که مخاطبان را فعالانه در کلاس درس و در فرایند یاددهی و یادگیری سهیم کند. استاد در این شیوه، یادگیری مؤثر را از طریق تمرین‌ها و فعالیت‌های متنوع به عهده فراگیران می‌گذارد و آنان را در تحقق اهداف یادگیری مفاهیم و مطالب درس دخالت می‌دهد. استاد، راهنما و هدایت‌کننده‌ای است که پایه‌های فراگیر مسیر آموزش را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد (صفوی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). در شیوه طرح پرسش و جواب‌خواهی، استاد می‌کوشد که فراگیران را کمک کند تا خودشان نقش اصلی در هدایت و آموزش و پرورش را ایفا کنند (بهرنگی و آقایی، ۱۳۸۳).

بر اساس این روش، استاد قبل از اینکه اصل مطلب را بیان کند، یک یا چند پرسش را درباره موضوع درس مطرح می‌کند و طلبه و دانش‌پژوه را در خصوص موضوع و تفکر درباره پاسخ صحیح آن برمی‌انگیزد. این فرایند، فضای ذهنی فراگیر را به طور کامل آماده دریافت اطلاعات می‌کند. در این روش، فراگیران به کمک تفکر و قوای ذهنی خود، مانند کنجکاوی، حدس، مقایسه، نتیجه‌گیری، تصور، تخیل و... می‌توانند پاسخ‌های احتمالی را شناسایی کنند. این شیوه که با فعالیت مخاطبان همراه است، اگر در جای خود و به درستی استفاده شود، تأثیر فراوانی در یادگیری خواهد داشت (بی‌نا، بی‌نا، نقش روش‌های تدریس فعال و کاربردی در فرایند آموزش).

در تدریس تفسیر نیز این روش به طور کامل قابل پیاده‌سازی است. مطابق این روش، استاد با یک یا چند پرسش درباره موضوع درس، یعنی آیه یا آیات مورد تفسیر یا متن تفسیری مورد بحث، طلاب را به تفکر وامی‌دارد تا با تمرکز بر موضوع و کنجکاوی و حدس و مقایسه و نتیجه‌گیری، به پاسخ یا پاسخ‌های احتمالی دست یابند.

۲-۳. انواع شیوه‌های تدریس تفسیر بر اساس نوع کار تفسیری

اگر استاد بخواهد تفسیر یک سوره یا کل قرآن را از ابتدا تا انتها به صورت آیه‌به‌آیه و جزء‌به‌جزء به مخاطبان ارائه و

آموزش دهد، این نوع تفسیر را «تفسیر ترتیبی» می‌گویند. در مقابل، اگر تفسیر و بررسی آیات به ترتیب نباشد و استاد به تدریس تفسیر آیات بر محور یک موضوع بپردازد، به این نوع تفسیر «تفسیر موضوعی» می‌گویند. اکثر قریب به اتفاق اساتید تفسیر در سده اخیر به هر دو شیوه تدریس کرده‌اند. با توجه به اینکه بخواهیم مراد خدا را در یک آیه یا جمله‌ای از یک آیه یا چند آیه متصل به هم کشف کنیم یا مراد خدا را در یک موضوع به دست آوریم، شیوه تدریس نیز متفاوت خواهد بود.

۲-۳-۱. روش تدریس تفسیر ترتیبی

در شیوه تفسیر ترتیبی، تفسیر کل قرآن یا تفسیر یک سوره خاص یا چند آیه متصل به هم از ابتدا تا انتها و به ترتیب آیات انجام می‌پذیرد. در این روش، بسته به روش و گرایش تفسیری استاد، مطالبی همچون نام سوره، علت نام‌گذاری، تعداد آیات، اهداف، اغراض و مقاصد آیات، محل و شأن نزول آیات، مفهوم‌شناسی واژگان، گزاره‌ها و جملات آیات، ترجمه آیات و نکته‌ها، و پیام‌های مستخرج از آیات ارائه می‌شود. اگر استاد خود مفسر نباشد، می‌کوشد با استفاده از یک یا چند منبع، این مطالب را تحلیل، بررسی و ارائه کند و چنانچه خود مفسر باشد، علاوه بر بیان این مباحث بر اساس نظر خود، به نقد و بررسی اقوال دیگر نیز می‌پردازد.

اما در آموزش تفسیر ترتیبی می‌توان هم به روش فعال و مثلاً به شیوه مذاکره و پرسش و پاسخ عمل کرد، هم می‌توان به روش غیرفعال و شیوه توضیح و سخنرانی عمل کرد. در حوزه، غالباً تدریس تفسیر ترتیبی از نوع دوم است و بعضاً از نوع اول.

۲-۳-۲. روش تدریس تفسیر موضوعی

برای ارائه این سبک از تفسیر، دو روش وجود دارد. در روش اول، موضوعات گوناگون، اعم از اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و...، به وسیله استاد بررسی و تحلیل می‌شوند؛ سپس به آیات مرتبط با این موضوعات به عنوان شاهد اشاره شده، هر آیه یا هر دسته آیات تبیین می‌شود. در روش دوم، استاد تمام آیاتی را که پیرامون یک موضوع در سراسر قرآن آمده‌اند، گردآوری می‌کند و یک‌به‌یک آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و در نهایت یک برداشت کلی از آن دسته آیات درباره موضوع مورد نظر ارائه می‌کند. در این شیوه، تمام تلاش استاد معطوف به کشف و ارائه نظر قرآن درباره آن موضوع است. برخی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی این شیوه را برای دستیابی به حقایق قرآنی بهتر می‌دانند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱).

آموزش تفسیر موضوعی، هم تابع روش و شیوه‌ای است که استاد در تدریس اتخاذ می‌کند، هم می‌تواند به روش فعال و مثلاً به شیوه مذاکره و پرسش و پاسخ باشد و هم برعکس به روش غیرفعال و به شیوه توضیح و سخنرانی؛ و غلبه نوعاً با دومی است.

۳. جایگاه درس تفسیر در حوزه علمیة قم در سده اخیر

در دو دهه اول سده اخیر، یعنی از سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی، فعالیت قابل ملاحظه‌ای در حوزه علمیة قم در زمینه تدریس رشته تفسیر قرآن از سوی اساتید گزارش نشده است. از دیرباز در حوزه علمیة قم به دانش فقه و همچنین دستیابی به قوه استنباط احکام از منابع دینی اهتمام زیادی وجود داشته و اصل بر فراگیری فقه و اصول بوده است. در کنار فقه و اصول، علوم دیگر، از جمله تفسیر، به اعتبار سهمی که در معرفت دینی داشتند، در حاشیه و به صورت غیررسمی تدریس می‌شد. از اواسط دهه دوم این سده، با ورود علامه طباطبائی به قم و آغاز تدریس تفسیر و استقبال بسیاری از فضلاء حوزه علمیة قم از آن، به تدریج زمینه و فضای گرایش به تفسیر و تدریس آن قوت گرفت. علاوه بر علامه طباطبائی، شاگردان فاضل ایشان، به‌ویژه آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله مشکینی، به تدریس تفسیر روی آوردند و برخی دیگر مانند آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله سبحانی هم به نگارش تفسیر پرداختند.

البته پس از انقلاب اسلامی، عالمان و مفسران بزرگی همچون آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله مصباح یزدی و بسیاری از بزرگان دیگر به برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های متعدد تفسیر اهتمام ورزیدند و از نیمه دهه شصت، تدریس تفسیر در برنامه رسمی آموزشی حوزه علمیة قم قرار گرفت و در سه دهه اخیر این سده، با تأسیس مراکز تخصصی، از جمله مرکز تخصصی رشته تفسیر و علوم قرآن، این رشته به لحاظ درس و بحث رونق یافت و چگونگی تدریس آن مورد عنایت و توجه قرار گرفت.

۴. روش‌های تدریس تفسیر در حوزه علمیة قم

در سده اخیر، دانشمندان و عالمان فراوانی در حوزه علمیة قم به تدریس تفسیر اشتغال داشته‌اند؛ اما متأسفانه منابع تاریخی موثقی که به شکل مبسوط شرح حال و شیوه فعالیت تدریس تفسیری آنان را بیان کرده باشد، یافت نشد. البته می‌توان حدس زد اساتیدی که صاحب تفسیر مکتوب‌اند و به تدریس تفسیر نیز اشتغال داشته‌اند، در تدریس مباحث تفسیری به احتمال قوی همان سبک و شیوه‌ای را داشته‌اند که در نگارش تفسیر خود از آن بهره برده‌اند؛ چنان‌که در عصر کنونی نیز در مورد بسیاری از اساتید تفسیر در حوزه علمیة قم نیز شاهدیم که شیوه بیان آنان در کلاس درس به شیوه نگارش مطالب تفسیری آنان بسیار نزدیک است. در ادامه، مهم‌ترین دروس تفسیر در حوزه علمیة قم و شیوه تدریس آنها معرفی می‌شود.

۴-۱. تدریس به روش غیرفعال و شیوه سخنرانی و توضیحی

غالب دروس تفسیری در حوزه‌های علمیة قم در سده اخیر به روش غیرفعال و به شیوه سخنرانی یا به شکل استادمحور برگزار شده‌اند. نمونه‌های بارز تدریس تفسیر به این شیوه را به‌جمال ذکر می‌کنیم.

۴-۱-۱. امام خمینی (۱۳۶۸-۱۲۸۱)

بخشی از آرای تفسیری امام خمینی علیه السلام در آثار گوناگون ایشان - اعم از آثاری که به‌قلم خود ایشان نوشته شده‌اند،

مانند تفسیر سوره‌های حمد، توحید، قدر، و مجموعه‌هایی که توسط دیگران تدوین یافته‌اند، مانند کتاب **تفسیر و شواهد قرآنی و قرآن کتاب هدایت** یا کتاب **فهم القرآن** نوشته جواد علی کسار - گردآوری شده است. آنچه دیگران تدوین کرده‌اند، برخی براساس مطالبی است که حضرت امام علیه السلام در تألیفات مختلف خود بیان کرده‌اند و برخی نیز مکتوب بیانات ایشان است. یکی از معروف‌ترین تفاسیر ایشان، تفسیر سوره مبارکه حمد است که در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب از صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این تفسیر که از نوع ترتیبی است و با روش تفسیر اجتهادی و گرایش عرفانی بیان شده، از شیوه تدریس غیرفعال و در قالب توضیح و سخنرانی استفاده شده است.

۲-۴. عبدالله جوادی آملی

آغاز اشتغالات قرآنی آیت‌الله جوادی آملی به اندکی قبل از پیروزی انقلاب در دهه پنجاه بر می‌گردد؛ اما ایشان در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ به «تفسیر موضوعی» قرآن پرداخت و از ۱۳۶۳ تا کنون به‌طور پیاپی به تدریس تفسیر ترتیبی با انگیزه رواج دادن درس تفسیر در کنار دروس رایج فقهی، اهتمام داشته است.

تدریس استاد جوادی در درس عمومی، اعم از تفسیر فقه و دروس دیگر، نوعاً به روش غیرفعال و به شیوه سخنرانی است. ارائه مباحث تفسیری از سوی ایشان را می‌توان چنین ترسیم کرد: ۱. بیان و شرح مفردات هر آیه؛ شرح برخی واژگان دشوارفهم آیه با استناد به منابع واژه‌پژوهی کهن؛ ۲. بیان تناسب آیات؛ تبیین پیوند آیه مورد بحث با آیه یا آیات پیشین؛ ۳. تبیین سیاق آیه و ارتباط آیات دیگر با آیه مورد بحث و بیان تفسیر آیه؛ ۴. اشارات و لطایف موجود در آیه (ر.ک: مدبر اسلامی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

۳-۴. ناصر مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی سالیان زیادی را به تفسیر اشتغال داشته‌اند. تفسیر نمونه در ۲۷ جلد حاصل کار جمعی ایشان و تعدادی از اندیشمندان حوزه علمیه قم است که تحت اشراف ایشان در طول پانزده سال نوشته شده است. این تفسیر که با هدف قابل فهم بودن برای عموم مردم نگاشته شده، در کنار شرح و بسط آیات قرآن، به مسائل اجتماعی و مطالب علمی می‌پردازد. از این رو تفسیری اجتماعی و درعین حال علمی است.

اثر دیگر ایشان **پیام قرآن** است که به شیوه تفسیر موضوعی و با کمک گروهی از نویسندگان حوزه علمیه قم طی هشت سال و در ده جلد به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب، در ابتدای هر موضوعی آیات مرتبط با آن آورده شده، سپس استنباط و استدلال صورت پذیرفته است.

البته از ایشان تدریس به معنای برگزاری کلاس درس اطلاعی در دست نیست. در برنامه شکل‌گیری **تفسیر نمونه**، ایشان به یک کار پژوهشی جمعی دست زدند و هدایت این کار را بر عهده داشتند. این کار ماهیت آموزش تفسیر به معنای رایج، ولو در سطح عالی را نداشته است؛ بلکه به صورت جلسات مذاکره علمی با گروهی از فضلاء

پژوهشگر تشکیل می‌شد و جنبه پژوهشی به‌صورت تیمی داشت که در نهایت پس از بحث و مناقشه، تحقیقات انجام‌شده توسط اعضای گروه و جمع‌بندی نهایی بحث، توسط خود ایشان نگارش می‌شد و به‌صورت کتاب درمی‌آمد. البته ایشان به‌صورت موردی به تفسیر بعضی از سوره‌ها یا بررسی برخی موضوعات از دیدگاه قرآن در مناسبت‌هایی مثل ماه رمضان در محافل و منابر عمومی پرداخته‌اند. این جلسات تفسیری طبق روال رایج، به روش غیرفعال و به شیوه توضیحی و ارائه سخنرانی بوده و حاصل آنها به‌صورت کتاب چاپ شده است. هرچند ایشان در این قسمت نیز برای ارائه مطالب، بیشتر از **تفسیر نمونه** و **پیام قرآن** بهره می‌برند، اما با بهره‌گیری از سایر منابع تفسیری، کلاس درس خود را به شیوه درس خارج اداره می‌کنند. بخشی از مباحث تفسیری ایشان نیز صرفاً به‌صورت ضبط تصویری بوده است، نه لزوماً تدریس زنده، که آنجا هم به همان شیوه سنتی توضیح و سخنرانی، مباحث تفسیری را بیان و ارائه کرده‌اند.

۴-۱-۴. جعفر سبحانی

استاد آیت‌الله جعفر سبحانی از جمله اندیشمندانی است که در حوزه تدریس تفسیر قرآن کریم فعالیت داشته و به هر دو سبک تفسیر موضوعی و ترتیبی سالیانی متمدای تدریس کرده‌اند. روش تدریس ایشان نیز سنتی و مثل معمول و اغلب اساتید دروس خارج، غیرفعال بوده است و ایشان به شیوه توضیح و سخنرانی درس تفسیر را ارائه می‌کنند. ایشان در جلسات درس تفسیر ترتیبی خود، ابتدا نام سوره را تحلیل و بررسی می‌کنند؛ سپس در مورد شماره آیات مطالبی ارائه می‌دهند. محل نزول سوره از دیگر مطالبی است که ایشان مورد توجه قرار می‌دهند. ایشان پرداختن به اهداف و مقاصد سوره و سپس ورود به تفسیر آیه‌به‌آیه را از دیگر مراحل تدریس تفسیر به‌شکل ترتیبی می‌دانند. (ر.ک: فایل تصویری تدریس تفسیر سوره مبارکه تین در مدرسه حجتیه موجود در آرشیو شبکه قرآن سیما).

۴-۱-۵. سیداحمد خاتمی

سیداحمد خاتمی از مدرسان فقه و اصول حوزه علمیة قم نیز سال‌هاست که روزانه به تدریس تفسیر قرآن در مدرسه فیضیه برای عموم طلاب اشتغال دارند. روش تدریس ایشان شبیه تدریس دروس فقه‌پژوهان غیرفعال یا اندک فعال و معمولاً به شیوه توضیح و سخنرانی و استادمحور است. برگزاری کلاس تفسیر قرآن ایشان از سال ۱۳۶۷ شروع شده و تا کنون استمرار داشته است. ایشان به هر دو سبک تفسیر ترتیبی و موضوعی تدریس می‌کنند و حاصل مباحث تفسیر موضوعی ایشان در قالب تک‌نگاری‌های مستقلی با عنوان‌های **سیمای نفاق در قرآن**، **مدیریت در قرآن و حدیث**، **ابعاد جنگ در قرآن و حدیث** و **شایعه از نظر قرآن و حدیث** منتشر شده است (ر.ک: پایگاه رسمی جامعه مدرسین حوزه علمیة قم).

۴-۱-۶. ابوالقاسم خزعلی

مرحوم آیت‌الله خزعلی از عالمان حوزه علمیة قم مدتی به تدریس تفسیر قرآن اشتغال داشته‌اند و حاصل این

درس‌های تفسیری در دورهٔ دوجلدی *انوار جاودان در تفسیر قرآن* در شرح و تفسیر سورهٔ حمد و سورهٔ بقره تا آیهٔ ۳۳ در سال ۱۳۹۱ و *نگاهی به قطره‌ای از زلال جویشان حمد* در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. روش تدریس تفسیر ایشان نیز به همان روش رایج سنتی غیرفعال و به شیوهٔ سخنرانی و توضیح بوده است.

۴-۱-۷. علی‌اکبر فیض مشکینی

مرحوم آیت‌الله مشکینی از کسانی بود که در دههٔ پنجاه در حوزهٔ علمیهٔ قم تدریس تفسیر عمومی داشتند و حاصل آن درس‌گفتارها در قالب *تفسیر روان* در هشت جلد به زبان فارسی با قلمی روان برای استفادهٔ همگان، به‌ویژه قشر جوان جامعه، به قلم خودشان بازنویسی و منتشر شده است. ایشان آثار قرآنی دیگری هم دارند که به‌احتمال زیاد برآمده از جلسات درس تفسیرشان باشد؛ مانند *تفسیر مبسوط* در دو جلد، *بحث قصیر حول نظریهٔ التطور*، *تفسیر سورهٔ صاد و تفسیر سورهٔ لقمان* (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه <https://hadith.net>). روش تدریس تفسیر ایشان نیز همان روش سنتی غیرفعال و به شیوهٔ سخنرانی و توضیح بوده است.

۴-۲. تدریس به روش نیمه‌فعال و به شیوهٔ نیمه‌مشارکتی

این روش تدریس که از آن به روش نیمه‌مشارکتی و روش فعال پنهان نیز می‌توان یاد کرد، بینابینی است و در میانهٔ دو روش فعال و غیرفعال قرار می‌گیرد؛ نه یک‌طرفه و تماماً استادمحور است و استاد و مدرس در امر آموزش فعال ما یثاء است و شاگرد فقط یا غالباً مستمع؛ و نه آن‌گونه است که با فعالیت و مشارکت حداکثری شاگردان در فرایند آموزش همراه باشد. مجموعه‌ای از دروس تفسیری ارائه‌شده توسط عالمان حوزهٔ علمیهٔ قم در سدهٔ اخیر را می‌توان ذیل این روش دسته‌بندی کرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۴-۲-۱. سیدمحمدحسین طباطبائی

علامه سیدمحمدحسین طباطبائی، حکیم، فقیه، عارف و فیلسوف معاصر شیعه و مفسر بزرگ قرآن بود. معروف‌ترین اثر ایشان *تفسیر المیزان* است که ثمره‌ای کم‌نظیر از بیست سال تلاش شبانه‌روزی علامه بوده و دایرةالمعارفی از معارف اسلامی است. علامه طباطبائی تدریس تفسیر را در اواخر دههٔ بیست سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیهٔ قم آغاز کردند که به‌مدت هفت سال (سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲) به‌طول انجامید و پس از آن از سال ۱۳۳۲ به نگارش این مجموعهٔ ارزشمند اقدام کردند (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آبان ۱۴۰۱). این تفسیر از مهم‌ترین و جامع‌ترین تفسیرهای شیعه در عصر جدید و به‌طور مطلق یکی از چند تفسیر مهم و اساسی در قرن اخیر است.

مرحوم علامه با تاسی از گفتار و روش اهل‌بیت علیهم‌السلام، در اصل تفسیر، روش اجتهادی قرآن‌محور داشت که از آن به تفسیر قرآن‌به‌قرآن یاد می‌شود؛ اما به‌لحاظ روش تدریس تفسیر، اگرچه کلیت کارش به شیوهٔ توضیح و سخنرانی نزدیک بود، اما بر اساس ویژگی‌هایی که بیان خواهد شد، دقیق‌تر آن است که گفته شود تدریس تفسیر ایشان به روش نیمه‌فعال و بینابینی بود.

به‌طور کلی می‌توان برخی از ویژگی‌های برجسته سبک تدریس علامه، از جمله در تفسیر را چنین برشمرد: الف) دادن فرصت تفکر به شاگرد: علامه برای آنکه کلاس را برای شاگرد به محیطی آرام و باصمیمیت تبدیل کند تا ذهن او را به تحرک و پویایی وادارد، در جلسات خود می‌فرمود: «به من استاد نگوئید. ما یک عده‌ای هستیم که اینجا جمع شده‌ایم و می‌خواهیم حقایق اسلام را بررسی کنیم و من از آقایان خیلی استفاده می‌کنم». ایشان در برخورد با شاگردان هرگز تحمیل عقیده و تحکم فکر نداشتند؛ بلکه روش ایشان در پاسخگویی به اشکالات و سؤالات این بود که ایشان پاسخ و توضیح خود را مطرح می‌کردند و بعد برای آنکه به شاگرد میدان تفکر داده باشد، نظر خود را یک امر قطعی و حتمی اعلام نمی‌کرد؛ بلکه نوعاً می‌فرمود: «این چیزی است که به نظر ما می‌رسد و شما خودتان ببینید تا چه اندازه منطقی و مورد پذیرش است». جلسهٔ درسی علامه طباطبائی به‌نحوی بود که شاگردان شهامت اشکال کردن بر او را داشتند و اگر شاگردی به درس ایشان انتقادی داشت، علامه با مهربانی و ملاطفت سخن او را گوش می‌داد و با کمال احترام وی را متقاعد می‌کرد.

ب) تدریس آرام و آهسته: ایشان خیلی آرام و آهسته تدریس می‌کرد؛ از پراکنده‌گویی اجتناب داشت؛ ولی در عوض، کم‌گویی و گزیده‌گویی بود و بحث‌ها را با عباراتی کوتاه، اما متین و محکم و مستدل بیان می‌کرد. علامه در تدریس شیوه‌ای نرم و ملایم داشت و به هیچ یک از مطالب درسی خود پایان نمی‌داد، مگر اینکه با بحث خود آن را اشباع می‌کرد.

ج) استدلال توأم با برهان، نه شعر و داستان.

د) التزام به شیوهٔ منطقی متناسب با موضوع درس: علامه در تدریس مقید بود که حریم علوم و مباحث را حفظ کند و آنها را با هم ممزوج نکند (ر.ک: باقی نصر آبادی، ۱۳۸۲، ص ۱۴ و خسروشاهی، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

مجموعهٔ این ویژگی‌ها انتساب روش تدریس غیرفعال و سنتی را از کار علامه منتهی می‌سازد و روش تدریس بینابینی و نیمه‌مشارکتی را موجه‌تر می‌نماید.

۲-۴. مرتضی مطهری

استاد شهید مطهری معتقد بود که بازخوانی قرآن و تمام منابع کهن دین یک ضرورت برای جامعهٔ مسلمانان است. از این رو جلسات عمومی تفسیر قرآن را دایر کرد. اثر مهم قرآنی ایشان *آشنایی با قرآن* است که مکتوب همان جلسات تفسیر برخی از سوره‌های قرآن است. غیر از این کتاب، ایشان چندین تحقیق موضوعی دربارهٔ مضامین قرآنی داشتند که از آن میان می‌توان به *انسان در قرآن*، *جهاد در قرآن* و امثال آن اشاره کرد.

هرچند استاد مطهری مطالب تفسیری خود را ظاهراً به شیوهٔ توضیح و سخنرانی، یعنی روش غیرفعال ارائه می‌کرد، اما در پایان اغلب سخنرانی‌های خود، پرسش و پاسخ داشتند که نشان از اهتمام ایشان به فراگیری بهتر مطالب ارائه‌شده توسط مخاطبان دارد. از همین رو نوع تدریس مباحث تفسیری شهید مطهری را ترجیحاً باید به روش نیمه‌مشارکتی و بینابینی دانست.

مرحوم استاد آیت‌الله مصباح یزدی با هدف تربیت نیروهای فکری و عقیدتی و پرورش افراد متعهد و کارآمد برای تشکیل کادر آینده نظام و حکومت اسلامی، تدریس تفسیر و معارف قرآن را از مدرسه حقانی (منتظریه) در اواسط دههٔ چهل شمسی آغاز کرد. نظر به اینکه ارائهٔ بسیاری از معارف قرآن در قالب تفسیر تربیتی برای طلاب و به‌خصوص عموم مردم امکان‌پذیر نیست، ایشان تلاش داشتند که مباحث تفسیری خود را به شیوهٔ تفسیر موضوعی ارائه دهند. شیوهٔ تدریس ایشان ظاهراً به‌شکل توضیح و سخنرانی بود که نوعاً در دروس خارج ارائه می‌شود؛ اما با توجه به تفکرات و تأملاتی که ایشان ایجاد می‌کردند، باید آن را تدریس به شیوهٔ فعال پنهان شمرد. البته دروس خاصی نیز استاد در تفسیر موضوعی برای تعدادی از شاگردان برجسته داشتند که به روش فعال و شیوهٔ پژوهش‌محور بوده است. طبعاً این نوع تدریس ایشان را باید ذیل تدریس به روش فعال به شیوهٔ پژوهش‌محور قرار داد؛ اما برآیند این دو اقتضا دارد که دست‌کم شیوهٔ تدریس استاد مصباح را بیابینی و نیمه‌فعال و نیمه‌مشارکتی بدانیم.

مرحوم آیت‌الله معرفت در کلاس‌های خود، از جمله کلاس تفسیر، نظرات خویش را به‌بحث می‌گذاشتند و حتی درخصوص نظرانی که قرار بود به‌صورت کتاب منتشر شود، ابتدا دیدگاه خود را در کلاس‌های درس تفسیر و علوم قرآن مطرح می‌کردند و در معرض بحث و نقد در میان طلاب و دانشجویان قرار می‌دادند و با سعهٔ صدر به سخنان و اظهارنظرها و همچنین سؤال‌های طلاب و دانشجویان گوش می‌دادند و بعد پاسخ می‌گفتند. این میدان دادن به دانشجویان و شاگردان برای سخن گفتن و اظهارنظر کردن باعث می‌شد که کلاس‌های درس ایشان تا حد زیادی فعال و پویا باشد. بنابراین می‌توان شیوهٔ تدریس تفسیر استاد معرفت را هم دست‌کم بیابینی، بلکه به روش فعال و شیوهٔ مذاکره نزدیک دانست.

مرحوم علی صفائی حائری روند معمول مطالعات قرآنی در محافل اسلامی، چه به‌صورت دانشگاهی و چه حوزوی را پی‌جویی نمی‌کرد و بیش از آنکه به‌دنبال نوعی آموزش مدرسه‌ای باشد، پیگیر شیوهٔ خاص آموزشی در تمام جوانب حیات یک مسلمان براساس قرآن بود. اکثر مطالب تفسیری که از ایشان به‌چاپ رسیده، سخنرانی‌هایی است که به‌صورت مکتوب درآمده‌اند. ظاهر امر این است که ایشان از روش غیرفعال به شیوهٔ توضیح و سخنرانی در ارائهٔ مباحث و مطالب تفسیری استفاده می‌کردند، اما نوع سخن و بیان ایشان به‌گونه‌ای بود که مخاطب را به تفکر وامی‌داشت؛ هرچند مخاطب پای درس ایشان از نظر ظاهری بیشتر شنونده بود، اما با تلنگرهایی که استاد با بیان خاص خود ایجاد می‌کرد، در روح و فکر شنونده غوغایی برپا می‌کرد و او را به‌صورت فعال در متن بحث قرار می‌داد. از این حیث می‌توان این روش را مایل به روش فعال یا فعال پنهان دانست.

استاد محسن قرآنتی از مفسران و مبلغان برجسته در حوزه معارف دینی است. شیوایی سخن، ارائه مطالب به زبانی ساده و قابل فهم، و استفاده از مثال‌های کاربردی، از شیوه‌های تأثیرگذار و مخاطب‌پسندی است که وی برای انتقال مطالب قرآنی به مخاطبان برگزیده و در این راه توانسته است اثری ارزشمند نظیر *تفسیر نور* را با شیوه‌ای نوین ارائه دهد. ایشان در زمینه ارائه معارف دینی، به‌جای استفاده از منبر و روش سنتی تبلیغ و سخنرانی، بسان معلمان از گنج و تخته‌سیاه بهره برد و به آموزش آنها در قالب کلاس درس روی آورد. در این شیوه، استاد دو حس شنوایی و بینایی را در کلاس درس فعال می‌کرد و بدین ترتیب شرایط درک بهتر را در فراگیران به‌وجود می‌آورد. بخش مهمی از موفقیت استاد قرآنتی، به شیوه تدریس معارف قرآن و مهارت‌های معلمی او مربوط است. ایشان در کلاس‌های خود می‌کوشند با پرسش و پاسخ و ایجاد فضای طرفینی، مخاطبان را فعال و کلاس را پویا سازند و تقریباً شیوه ایشان را باید تا حد زیادی بیابینی و نیمه‌مشارکتی تلقی کرد.

محمدرضا صفوی پژوهشگر مرکز فرهنگ قرآن و دارای تألیفات متعدد قرآن‌پژوهی است. یکی از مهم‌ترین آثار وی که بار اول در سال ۱۳۹۰ به‌چاپ رسیده، کتاب *تفسیر آموزشی قرآن کریم (معانی واژه‌ها و ساختارها)* است. این تفسیر آموزشی که در واقع براساس شکل تدریس ایشان تألیف شده است، در شش مرحله تنظیم شده و در هر مرحله به بعدی از ابعاد آیات یا به روشی از روش‌های تفسیری پرداخته است.

مرحله نخست: در این مرحله، به‌تناسب مخاطبان که آشنایی چندانی با معانی واژه‌ها و چگونگی هیئت کلمات قرآن کریم ندارند یا از تسلط و ورزیدگی لازم برخوردار نیستند، معانی مفردات همراه با تعیین هیئت کلمات و ویژگی‌های آنها بیان می‌شود.

مرحله دوم: در این مرحله، جایگاه هر کلمه در جمله و جایگاه جمله در کلام بیان می‌شود. آموزش در این دو مرحله، دانش‌پژوه را بر دریافت معانی آیات با توجه به مفاهیم واژه‌ها و جایگاه آنها توانمند می‌سازد و افزون بر آن، دانش‌پژوه بر ادبیات (صرف و نحو) تسلط می‌یابد.

مرحله سوم: در این مرحله، استخراج نکته‌ها و پیام‌های آیات با توجه به علوم بلاغی مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. از این‌رو در این مرحله، افزون بر بیان واژگان جدیدی که در مراحل پیشین معانی آنها بیان نشده است و بیان وجه اعرابی کلمات، که در فهم آیات ضرورت دارد، نکاتی از آیات بیان می‌شود که با توجه به علوم بلاغی، قابل استفاده است.

مرحله چهارم و پنجم: با توجه به روش‌های متعددی که در تفسیر قرآن کریم وجود دارد، در این دو مرحله، تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر مأثور، که از اساسی‌ترین روش‌های تفسیری‌اند، به‌صورت عملی آموزش داده می‌شود. مرحله چهارم به روش تفسیر قرآن به قرآن (تفسیر یک آیه با توجه و استناد به دیگر آیات) اختصاص یافته است و در

مرحله پنجم، روش تفسیر مآثور به کار گرفته می‌شود. دانش‌پژوه با آموزش مرحله چهارم، شیوه تفسیر قرآن به قرآن را فرامی‌گیرد و با آموزش مرحله پنجم، شیوه تفسیر قرآن به سنت را می‌آموزد.

مرحله ششم: در این مرحله، مباحث مراحل پیشین به کار برده می‌شود؛ ولی رویکرد در این مرحله، اهتمام و توجه به مباحث اجتماعی تربیتی قرآن کریم است.

در مجموع، شیوه کاری ایشان برای تدریس، اگرچه با ابتکاراتی در روش تفسیر همراه است، اما روح کلی آن به روش غیرفعال و با غلبه شیوه سخنرانی و استادمحوری است؛ اما تدابیری که در روش تفسیر اخذ کرده است، فضای کلی آموزش را به سمت تفکر و اشتیاق برای یادگیری و نوعی تدریس فعال پنهان سوق می‌دهد.

۴-۳. تدریس به روش فعال و مشارکتی

این روش، خود به دو شیوه اجرا می‌شود: شیوه مذاکره‌ای یا پرسش و پاسخ؛ و شیوه پژوهش‌محور.

۴-۳-۱. روش فعال به شیوه پرسش و پاسخ یا مذاکره‌ای

این روش در برخی مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مرکز تخصصی تفسیر حوزه و برخی کلاس‌های جامعه‌المصطفی در دروس تفسیر تربیتی و تفسیر موضوعی در مقاطع ارشد و دکتری و سطح سه و چهار رشته تفسیر و بسیاری از دروس علوم قرآن، توسط برخی اساتید تفسیر ارائه می‌شود. در این روش، استاد با تعریف فعالیت‌های بیرون از کلاس و تعریف فعالیت داخل کلاس برای افراد و مشارکت دادن حداکثری دانش‌پژوهان در فرایند درس و بررسی مطالب به صورت پرسش و پاسخ جمعی و به شکل مذاکره همگانی شاگردان با یکدیگر یا با استاد و البته با هدایت استاد، فرایند آموزش را پیش می‌برند. طبعاً در این فرایند بر اساس یک نقشه پیشینی فنی، جزء به جزء مباحث در قالب یک طرح فعال و تفکر محور برنامه‌ریزی می‌شود و با هدایت و مدیریت استاد به اجرا درمی‌آید.

۴-۳-۲. روش فعال به شیوه پژوهش‌محور

این شیوه در برخی مراکز تخصصی حوزه علمیه قم، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و برخی مراکز حوزوی در تدریس دروس تفسیر موضوعی به کار گرفته می‌شود. برای نمونه، در کلاس مقطع دکتری و سطح چهار تفسیر موضوعی، برخی اساتید رشته به این شیوه عمل می‌کنند. این شیوه تدریس مبتنی بر فعالیت حداکثری دانش‌پژوهان است و شامل مراحل زیر می‌شود: درگیری با مسئله شامل تجزیه آن به چند مورد فرعی و کوچک، شناسایی منابع مرتبط و اعتبارسنجی آنها، مطالعه منابع و جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی اطلاعات، کشف روابط داده‌ها، و بعد تفسیر داده‌ها و استنتاج و استنباط و حل مشکل (پاسخ سؤالات فرعی) و نگارش حاصل پژوهش به عنوان سیاهه اول تحقیق؛ در مرحله بعد، حل مسئله، ارائه کنفرانس علمی در حضور استاد و سایر دانش‌پژوهان همراه با بحث و نقد جدی تمام اجزای ارائه‌شده از سوی دانش‌پژوهان، شنیدن نقدها و اشکالات و

رفتن شاگرد به سمت نگارش مقاله علمی و ارائه آن در کلاس و نقد و ارزیابی جانانه آن توسط استاد و سایر دانش‌پژوهان؛ و بالاخره در مرحله پایانی، بازنویسی و اصلاح و تکمیل مقاله توسط دانش‌پژوه و پایان درس. در این روش، هر دانش‌پژوه همانند استاد از صفر تا صد از درگیری با مسئله تا حل نهایی آن و دفاع از یافته‌ها و استنباط علمی و تخصصی راه‌حل‌ها، خود محور اصلی کار است و استاد کل فرایند را هدایت می‌کند و گره‌ها را می‌گشاید و این باور و اعتماد به نفس را در سیر روشمند و منطقی مراحل کار علمی، از چگونگی شناخت مسئله گرفته تا تجزیه آن، مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات، پردازش اطلاعات و چگونگی حل نهایی آن، در روح شاگرد می‌دمد و عملاً کار تدریس را پیش می‌برد.

نتیجه‌گیری

در یک‌صد سال اخیر، مفسران و اساتید فراوانی به تدریس متون تفسیری و ارائه تفسیر ترتیبی یا موضوعی قرآن پرداخته و هر یک شیوه خاصی را در نحوه تدریس و ارائه مطالب خود به کار بسته‌اند. اساتید تفسیر نوعاً متناسب با سطح تحصیلی فراگیران روش خاصی در تدریس را پی می‌گیرند. در دوره مقدمات و سطح، این امر با تکیه بر متن و تدریس، نوعاً غیرفعال و استادمحور است. استاد در تدریس این سطح به توضیح مطالب کتاب به روش سخنرانی می‌پردازد؛ اما در دوره درس خارج تفسیر، استاد با استفاده از منابع مختلف به بیان درس می‌پردازد که گاهی به صورت غیرفعال و به شیوه سخنرانی، و گاهی به روش نیمه‌فعال و به شیوه مشارکت بینابینی (شیوه تلفیقی یا پرسش و پاسخ یا فعالیت‌های دیگر در حد متوسط)، و در برخی موارد نیز به شیوه فعال و با مشارکت حداکثری، به دو شیوه مذاکره‌ای (پرسش‌پاسخی) یا پژوهش‌محور انجام می‌شود. این شیوه‌ها بیشتر استادمحور اند؛ اما گاهی طلاب نیز در کلاس درس کمابیش فعالیت دارند.

در هر سه نوع روش کلی تدریس تفسیر (براساس سطح تحصیلی، براساس نقش مخاطبان و براساس نوع تفسیر)، شیوه غالب تدریس دروس تفسیر در حوزه‌های علمیّه در سده اخیر، از نوع اول، یعنی غیرفعال و به شیوه توضیح، تبیین و سخنرانی بوده و هست و تعدادی از دروس تفسیری از گذشته و نیز اکنون به شیوه تلفیقی یا بیابینی است و در دهه اخیر تعدادی از فضلا در بعضی مراکز تخصصی، دروس تفسیر موضوعی را به روش فعال مذاکره‌محور یا پژوهش‌محور ارائه می‌کنند.

شیوه تدریس دروس تفسیر سنتی در سیر صدساله اخیر، تحول کندی به خود دیده؛ اما هیچ‌گاه خالی از تحول نبوده است؛ از جمله در درس‌های آیت‌الله معرفت، شاگردان نقش بیشتری ایفا می‌کردند و به سؤال و نقد مطالب استاد می‌پرداختند؛ یا استاد صفوی قالبی برای تدریس تفسیر پی‌ریزی کرده‌اند که انعطاف‌پذیر است و متناسب با سطح معلومات مخاطبان می‌توان سطح کمی و کیفی تدریس را تغییر داد. البته هر چه به سال‌های آخر سده چهاردهم شمسی نزدیک‌تر شده‌ایم، روش‌های تدریس تفسیر اشکال متنوع‌تری پیدا کرده‌اند و شاهد تحولات بیشتر و اساسی‌تر در روش تدریس تفسیر و رفتن به سمت روش‌های فعال‌تر و مشارکتی‌تر هستیم.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة.
- احدیان، محمد و محرم آقازاده، ۱۳۸۶، *راهنمای روش‌های تدریس برای آموزش و کارآموزی*، تهران، آبیژ.
- اخوان مقدم، زهره و فاطمه پیرایش، ۱۳۹۴، «آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن با استفاده از تکنولوژی و روان‌شناسی رنگ‌ها»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۵۶، سال چهاردهم، ص ۵۹-۳۸.
- آربان، حمید و جمعی از محققان، ۱۳۹۵، *آفرینش انسان در قرآن*، قم، مرتضی.
- آقازاده، محرم، ۱۳۸۸، *راهنمایی روش‌های نوین تدریس*، تهران، آبیژ.
- باغبانی، وحید، ۱۳۹۵، «جریان‌های فهم قرآن کریم در ایران معاصر»، *نقد کتاب قرآن و علوم دینی*، ش ۸، ص ۱۹۳-۲۱۷.
- باقی نصرآبادی، علی، ۱۳۷۹، *رمز موفقیت علامه طباطبائی*، تهران، امام عصر ع.
- بستانی، فواد افرا، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی عربی-فارسی*، ترجمه رضا مهیار، چ دوم، تهران، اسلامی.
- بهرنگی، محمدرضا و طیبه آقاری، ۱۳۸۳، «تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیک ساو در وضعیت سنتی»، *نوآوری‌های آموزشی*، ش ۱۰، ص ۱۲۹-۱۴۵.
- پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *مروری بر نقش‌آفرینی حوزه علمی قم در زمینه تفسیر قرآن*، ۸۱۷۸،
<https://irdc.ir/fa/news/8178>
- پایگاه اطلاع‌رسانی حدیث شیعه، <https://hadith.net>
- خانی، احمد، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی و گرایش‌های تفسیری امام خمینی»، حضور، ش ۸۷، ص ۲۲-۳۹.
- خبرگزاری بین‌المللی قرآن، <https://iqna.ir>
- خزعلی، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، *انوار جاودان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- _____، ۱۳۹۳، *نگاهی به قطره‌ای از زلال جوشان حمد*، تهران، خیمه.
- خسروشاهی، سید هادی، ۱۳۹۲، *خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره علامه سید محمد حسین طباطبائی*، تهران، کلبه شروق.
- خورشیدی، عباس، ۱۳۸۹، *روش‌ها و فنون تدریس*، تهران، یسطرون.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۷، *نسب‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه*، قم، بوستان کتاب.
- زرقانی، محمد عبد العظیم، بی‌تا، *مناهل العرفان فی علوم القرآن، دار احیاء التراث العربی*، بی‌جا، بی‌تا.
- صفوی، امان الله، ۱۳۸۹، *روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس*، چ پنجم، تهران، سمت.
- صفوی، محمدرضا، ۱۳۹۵، *تفسیر آموزشی قرآن کریم «معانی واژه‌ها و ساختارها»*، چ هشتم، قم، بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ نهم، قم، جامعه مدرسین.
- گیج، ن، ل و برلایند، سی، ۱۳۷۲، *روان‌شناسی تربیتی*، ترجمه غلامرضا خوبی نژاد و همکاران، مشهد، حکیم فردوسی.
- مدبر اسلامی، علی، ۱۳۹۶، «مدرسه تفسیری علامه جوادی آملی»، *معارض*، ش ۱، ص ۳۵-۳۳.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۸، *تفسیر روان*، قم، الهادی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۶، *مسأله حجاب*، چ صد و چهاردهم، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ معین*، چ سوم، تهران، زرین.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.